

سیستم قضایی  
افغانستان،  
هیچگاه  
نمی‌توانست  
با نظام قضایی  
غیررسمی  
افغانستان که بر  
ارتباطات سیاسی،  
وابستگی‌های  
قبیله‌ای و رشوه  
خواری‌های  
گسترده متکی بود،  
رقابت کند. پول  
مواد مخدر، نظام  
سیاسی را آلوده  
کرده بود

تریاک را بمباران کرد، در حالی که یک شبه آزمایشگاه‌های جدید سراز خاک بیرون آوردند و تولید بی‌وقفه ادامه پیدا کرد. در این میان، دولت اوباما تلاش کرد تا کشاورزان را تشویق کند محصولات خود را تغییر دهند و به جای خشخاش، گندم، پسته و انار بکارند. دولت امریکا به کشاورزان هلمند بذر، کود و وام‌های کوچک داد و کارگران افغان را اجیر کرد تا خندق حفر کنند و شبکه نهرها را گسترش دهند. در حالی که این محصولات، نیاز به سردخانه داشت که با وجود شبکه برق نامطمئن افغانستان کار سختی بود. گزارش نظرسنجی‌های سازمان ملل نشان می‌داد این راهبرد کارساز بوده و کشت خشخاش در سال ۲۰۰۹ به پایین‌ترین میزان در چهارسال قبل رسیده و در ۲۰۱۰ نیز در همین سطح باقی ماند. اما این پیشرفت‌ها سرابی بیش نبود و در عالم واقع، عوامل دیگری مثل شرایط آب و هوایی و نوسان تقاضای بازار، ارقام را کاهش داده بود. دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در ۲۰۱۰ به طور پنهانی اعتراف کرد کشاورزان در ارائه اطلاعات دوسال گذشته دروغ گفته‌اند. آمارهای جدید سازمان ملل نشان می‌داد در طول چهارسال بعد، رکورد تولید خشخاش شکسته و بیش از ۸۰ درصد افزایش یافته است. همچنین بازسازی نهرها و حفر خندق توسط امریکایی‌ها به افزایش تولید تریاک کمک بسیاری کرده است. امریکایی‌ها باز از تلاش دست نکشیدند. وزارت خارجه ده‌ها میلیون دلار را به صندوق اختصاص داد تا فرمانداران افغان، از آن برای از بین بردن مزارع خشخاش استفاده کنند. در سال ۲۰۱۰ واحد تکنگاران دریایی در هلمند، به کشاورزان نزدیک شهر مرجه پول می‌دادند تا کشت خشخاش را متوقف کنند، فکری که سال‌ها قبل بریتانیایی‌ها آن را اجرا کرده بودند و بی‌اعتباری‌اش را نشان داده بود. به گفته محمد احسان ضیاء، وزیر سابق کابینه و مسئول برنامه توسعه روستایی: «امریکایی‌ها فقط به خرج کردن پول اهمیت می‌دادند. مثلاً وام‌های کوچکی برای کشاورزان در نظر می‌گرفتند که یا با هزینه‌های سرباز از بین می‌رفت و یا از جیب مشاوران کشاورزی خارجی سردمی‌آورد.» ارتش امریکا در افغانستان سالانه ده‌ها هزار کیلو تریاک را مصادره و معدوم می‌کرد، اما این کشفیات ۲ درصد تولید سالانه تریاک در افغانستان هم نبود. در کنار این، واشنگتن به افغانستان کمک کرده بود تا یک نظام قضایی را از پایه بنا کند؛ دادگاه و زندان بسازد و قضات و مأموران تعقیب تربیت کند؛ اما هیچ‌کدام نتیجه نداد چون این سیستم، هیچگاه نمی‌توانست با نظام قضایی غیررسمی افغانستان که بر ارتباطات سیاسی، وابستگی‌های قبیله‌ای و رشوه خواری‌های گسترده متکی بود، رقابت کند. پول مواد مخدر، نظام سیاسی را آلوده کرده بود و بازخواست از گردن کلفت‌ها تقریباً غیرممکن بود. در سال ۲۰۱۲ مأموران مبارزه با مواد مخدر افغانستان، حاجی لعل جان اسحاق زی، قاچاقچی تریاک را دستگیر کردند. او شبکه بزرگی در هلمند و قندهار اداره می‌کرد. او مدت‌ها تحت حمایت احمدولی کرزی برادر ناتنی رئیس‌جمهور فعالیت می‌کرد. او تا روز ترور کرزی، پوشش امنیتی داشت. اما بعد از آن، دولت اوباما او را تحت تحریم قرار داد و پس از دستگیری، دادگاه او را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. اما او بارشوه بسیار، محل زندان خود را از کابل به قندهار تغییر داد و در نهایت پس از یکسال، بارشوه به مقامات دادگاه محلی، توانست آزادی خود را بخرد و به پاکستان فرار کند.

عدم تمایل دولت و نظام سیاسی افغانستان نسبت به مجازات قاچاقچیان بانفوذ، امریکایی‌ها را عصبانی می‌کرد. آنها نمی‌توانستند این قاچاقچیان را هدف قرار دهند،